

نظر داریم. کنترل‌های مرزی و محدودیت مهاجرت امری ضروری هستند

ایمنی

اما ما باید با طرد همه خارجی‌ها مقابله کنیم. چه، در شرایط فعلی هم پناهندگان دستیابی به یک وضعیت ایمن را بطور روزافزونی مشکل می‌یابند. اصطلاح سومی هم هست که سردرگمی در مورد آن از دو مورد پیشین هم بیشتر است آن اصطلاح "پناهجو" است. در برخی کشورها این اصطلاح همچون دشنام به کار می‌رود. سرانجام بعضی از "پناهجویان" به موقعیت "پناهندگی" دست پیدا می‌کنند. برخی هم به این موقعیت نمی‌رسند. کسانی که به عنوان پناهنده پذیرفته نمی‌شوند، ممکن است به کشور خودشان برگردانده شوند. اگر رسیدگی به ادعای پناهجویان سالها طول بکشد، همه درها برای سوء استفاده کسانی که می‌خواهند آنها را استثمار کنند باز خواهد بود

قاچاق

اما اگر نظام مهاجرپذیری، سریع، منصفانه و کارا باشد، انگیزه غیرپناهندگان برای ورود به کشور کاهش می‌یابد. بیشتر قاچاقچیان انسان نیز بین پناهنده و مهاجر تفاوت قایل نمی‌شوند. آنها هرکسی را که بتواند پول بدهد، قاچاق می‌کنند. در اروپا در دهه ۱۹۹۰ که در بالکان جنگ پیش آمد و اوضاع افغانستان و عراق به وخامت گرایید، تعداد پناهجویان به شدت افزایش یافت. این افزایش باعث عقب افتادن رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی شد و سیستم را کند کرد. همین امر باعث رونق کار قاچاقچیان انسان شد. امروز تعداد پناهجویان در اروپا به نصف تعداد دهه ۹۰ رسیده است. تعداد پناهندگان در دیگر نقاط جهان نیز رو به کاهش است

مدیریت جهانی

این بدان معناست که اینک ما در وضعیتی هستیم که بتوانیم به بهبود کیفیت نظام پناهنده پذیری در کشورهای صنعتی و همین‌طور به ایجاد شرایط بهتر در کشور های مبداء فکر کنیم زمان آن فرا رسیده است که از روشهای منفی فاصله بگیریم. باید از سیاست مرز های بسته، بازداشت پناهجویان، رهگیری در دریا ها و کاهش مبلغ پرداختی به پناهندگان بار دیگر به سنت های باستانی پناهنده پذیری بازگردیم. مطمئنا ما به روشهای بهتری برای مدیریت جهانی موضوع پناجویی نیاز داریم. کمیساریای عالی سازمان ملل برای امور پناهندگان پیشنهادهای آینده نگرانه ای برای دستیابی به این هدف ارائه داده است. اما برای شروع کار، ابتدا باید برای مان روشن باشد که پناهنده کیست و چه کسی مهاجر است. نباید بخاطر نگهداشتن یکی از ایندو، دیگری را قربانی کنیم.

ماده چهارم اعلامیه جهانی حقوق بشر میگوید: هر شخصی که در کشور خود مورد شکنجه، تعقیب و آزار و تبعیض قومی و مذهبی و جنسی قرار گرفته باشد حق درخواست پناهندگی و برخورداری از پناهندگی در کشورهای دیگر را دارا میباشد

پناهندگان و مهاجران: تعریف تفاوت دو مفهوم

رود لوپرز
کمیسورنر عالی سازمان ملل متحد برای امور پناهندگان

اعطای پناهندگی به کسانی که از شکنجه و آزار می‌گریزند، یکی از دیرپاترین نشانه‌های تمدن است

در متونی به قدمت ۳۵۰۰ سال که در عصر شکوفایی تمدنهای نخستین خاورمیانه نوشته شده، به این موضوع اشاره شده است. هیثها، بابلیها، آشوریان، و مصریان باستان، همه نیاز به حمایت از پناهندگان را به رسمیت می‌شناختند. مهاجرت به دلایلی غیر از پناهندگی نیز از دیرباز وجود داشته است. اگر در سوابق پیشینیان خود به دقت اندیشه کنیم، در خواهیم یافت که ریشه‌های همه ما در جای دیگری است.

پاسداری از آزادی

مهاجرت اغلب زمینه ساز مهمی برای پیشرفت بوده و بنظر می‌رسد که از این پس نیز چنین باشد. اما اساساً پناهنده با مهاجر فرق دارد. به همین علت طرز رفتار با آنها به موجب قوانین بین‌المللی متفاوت است. مهاجران، به ویژه مهاجران اقتصادی، به میل خود جا به جا می‌شوند تا دورنمای زندگی خود و خانواده خود را بهبود ببخشند. اما پناهندگان به خاطر نجات جان خود و حفظ آزادی شان ناچارند از جایی به جای دیگر بروند. تفاوت در انگیزه است که جایگاه آنها را در برابر قانون از هم متفاوت می‌سازد. پناهندگانی که از جنگ و آزار و شکنجه می‌گریزند، در آسیب پذیرترین وضعیتی که می‌توان تصور کرد قرار دارند. آنها در برابر دولت خودشان بی‌پناهندند. در واقع حکومت خود آنهاست که به شکنجه و آزار تهدیدشان می‌کند. اگر حکومت‌های دیگر آنها را راه ندهند و نپذیرند، و هنگامی که بر آنها وارد شدند به آنها کمک نکنند، حالا در واقع این حکومت‌های میزبان هستند که آنها را به مرگ، یا تحمل یک زندگی غیرقابل تحمل در سایه، بدون بهره‌وری از حقوق انسانی و منابع مالی محکوم می‌کنند.

بی‌اعتمادی و بیزاری

حتی کسانی که در اثر سیل، زلزله و بلایای طبیعی دیگر آواره می‌شوند، در وضع مشابهی نیستند. دولتها معمولاً با آنها همدردی می‌کنند و آنها را از خود نمی‌رانند. زیرا آنها هنوز از حقوق انسانی خود برخوردارند. آنها پناهنده نیستند. "پناهنده زیست محیطی" یا "پناهنده اقتصادی" وجود خارجی ندارد. اما چرا من روی این تفاوتها تاکید می‌کنم؟ علت این امر آن است که دو دسته متفاوت از آدمها که در حال جابه‌جایی اند، پناهندگان و مهاجران هستند و اغلب آنها را با هم اشتباه می‌گیرند و با آنها یکسان برخورد می‌کنند: برخوردی حاکی از بی‌اعتمادی و حتی بیزاری و طرد قوانین بین‌المللی که برای حمایت از پناهندگان وضع شده، به شدت زیر فشار قرار گرفته است. کنترل‌های مرزی پیوسته سختگیرانه‌تر می‌شود، با این هدف که از ورود مهاجران غیرقانونی جلوگیری شود. البته کشورها حق دارند که تصمیم بگیرند چه تعداد مهاجر را می‌پذیرند. و البته همه ما بر سر نیاز به جلوگیری از تروریسم داخلی و بین‌المللی اتفاق

بآنکه هرکس باید بتواند از این حق برخوردار گردد، در عمل مشکلات و موانع فراوانی درین راه وجود دارند. قطع نظر از تهیه اسناد و مدارک مقتضی برای محکمه، فزونی شمار مهاجران در دودهه اخیر، اکثراً موجب آن میگردد که کشورهای پناهندگی دهنده، محدودیتهای دست و پاگیر اضافی را که عمدتاً ناشی از مصالح ملی شان می باشند، بر آن بیافزایند.

سازمان عفو بین المللی ضمن اعلامیه ای تحت عنوان "مهاجران: حقوق بشر مرزی ندارد"، در مورد این طرز برخورد نوشته است:

کشورهایی که بر اهمیت حقوق بشر اذعان می نمایند، همزمان زنان و کودکان مهاجر را برای جلوگیری از کسب پناهندگی بصوب کسانیکه آنان را مورد پیگرد قرار میدهند میفرستند.

در پهلوی این طرز العملها و انتقاد از آن، کسانی هم تقاضای پناهندگی می نمایند که خود نیز متهم به ارتکاب جنایات ضدبشری می باشند. و این برای دولتهایی که پناهندگی میدهند مسائل پیچیده ای را بوجود می آورد.

در ماده ۶ منشور "محکمه ی نظامی بین المللی جنایتکاران جنگی " جنگ جهانی دوم - محکمه ی نورمبرگ - جرایم "کشورهای محور" در سه کته گوری یا دسته تصنیف گردیده است؛ جنایت علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات ضدبشری.

مطابق به ماده ی ۶ این منشور، جنایات ضدبشری عبارتند از: قتل، ریشه کن ساختن، برده ساختن، اخراج کردن، و سایر اعمال ضدبشری که علیه جمعیت ملکی مردم اعمال میگردد. این اعمال شامل بدرفتاری با جمعیت ملکی، و زندانیان جنگی می باشد که بدستور "رهبر" و بدون توجه به اصول اساسی قوانین بین المللی صورت می گیرد. و بجای خویشترنداری در این موارد ملاحظات جنایتکارانه مدنظر می باشند. ارتکاب به این اعمال چه در جریان جنگ و چه قبل از آن ولو آنکه مطابق به قوانین حاکم کشوری باشد، جنایات ضد بشری شناخته می شود.

از آغاز کودتای ثور سال ۱۳۵۷ خورشیدی بدینسو رژیمها، گروهها و افراد مختلفی در افغانستان مرتکب چنین جنایات ضدبشری گردیده اند، و همین امر یکی از موضوعات اساسی " عدالت انتقالی " از دیدگاه حقوق بشر را تشکیل میدهد.

هر کس که به دلایل نژادی، جنسی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی و اقتصادی در محل زندگی خود مورد آزار، اذیت، خشونت، توهین و تحقیر قرار می گیرد و یا با نقض حقوق انسانی از سوی دولت ها و یا گروههای غیر دولتی مواجه است باید به عنوان پناهنده پذیرفته شود.

کشور های عضو سازمان ملل باید به کنوانسیون ژنو 1951 در رابطه با پناهندگی احترام بگذارند.

زنانی که در کشورشان تحت قوانین ارتجاعی مورد تهدید و تحت خشونت و آزار فیزیکی، روحی و فرهنگی قرار می گیرند، باید به عنوان پناهنده شناخته شوند.

فعالیت سیاسی و فرهنگی و صنفی برای پناهجویان و پناهندگان تحت هیچ شرایطی نباید جرم تلقی گردد.

نداشتن اسناد و مدارک هویتی برای پناهجویان جرم محسوب نمی شود و نباید در روند پروسه پناهندگی آنان تاثیر بگذارد.

هر پناهجو باید از خدمات رایگان حقوقی (وکیل - مترجم) در پروسه پناهندگی بهره مند باشد.

برخوردار بودن از مزایای اجتماعی و رفاهی مانند یک شهروند کشور میزبان از حقوق اولیه هر پناهجو است.

نباید هیچ پناهجویی را به خاطر ورود غیر قانونی زندانی کرد.

زندانیان سیاسی سابق و کسانی که در کشورشان تحت شکنجه قرار گرفتند باید به فوریت به عنوان پناهنده پذیرفته شوند.

10- حق تجمع، فعالیت سیاسی، اجتماعی و آزادی بیان برای چمگی پناهجویان و پناهندگان باید مطابق منشور حقوق بشر باشد.

11- کشور پناهنده پذیر باید امنیت برای فعالین سیاسی را از هر جهت تامین کنند.

مطابق به کنوانسیون مهاجران ملل متحد مصوبه ی سال ۱۹۵۱ میلادی، یک مهاجر سیاسی کسی است که: بنابر ترس خوب مدلل از مورد پیگرد قرار گرفتن به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عضویت در یک گروه ویژه ی اجتماعی یا عقیده ی سیاسی ... از کشور دیگری تقاضای پناهندگی می کند. اصولاً فرد یا افرادی که بتوانند اسناد قناعت بخشی در زمینه فراهم آورد، باید بتوانند از حق پناهندگی سیاسی مستفید گردند.

3-...کسانی که تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوع

جدید بهره مند باشند.

5-...به دلیل از بین رفتن شرایطی که بر طبق آن پناهنده شناخته

شده است، نتواند از قبول حمایت کشور متبوع خود امتناع ورزد.

6-اگر اوضاع و احوالی که باعث شده است شخصی بدون تابعیت

بتواند پناهنده شناخته شود از بین برود، آن شخص می تواند به

کشوری که در آنجا سکونت دائمی داشته بازگردد.

همانگونه که در مفاد فوق اشاره شده است و با توجه به عفو عمومی

که دولت ایران اعلام داشته حتی در صورت احراز پناهندگی،

کنوانسیون ممنوعیتی برای انتقال و جابجایی بدنه سازمان ایجاد نمی

نماید.

و اما راجع به اعضای از مجاهدین که مرتکب جنایت شده اند

کنوانسیون پناهندگی ساکت نبوده بلکه بخوبی به تعیین و تکلیف

پرداخته است و بند F ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ چنین اشاره می

دارد که مفاد این کنوانسیون شامل اشخاصی که علیه آنها دلایل

محکمی در رابطه با موارد زیر وجود دارد، نمی گردد:

(A) کسانی که مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی

(بدان صورت که در اسناد بین المللی تهیه شده و در رابطه با چنین

جرایمی تعریف شده است) گردیده باشند.

(B) کسانی که پیش از آنکه در کشور پناه دهنده بعنوان پناهنده پذیرفته

شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جنایت عمدی که مستوجب

مجازات عمومی است، شده باشند.

(C) کسانی که مرتکب اعمال منافی مقاصد و اصول ملل متحد شده

باشند.

و همانگونه که در بند A از F ماده یک کنوانسیون پناهندگی آمده

است کسانی که مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایات

جنگی گردیده اند مشمول عنوان پناهندگی نیستند و تروریسم از

مصادیق امری جنایت علیه بشریت می باشد و از موارد نقض حقوق

بشر است و جزو قواعد امری JUS COGENS در حقوق بین

الملل بشمار می رود.

لذا گروههای تروریستی مشمول این کنوانسیون نیستند و مجاهدین

سالها است که بعنوان گروهی تروریستی در اروپا و آمریکا مورد

تایید و تاکید قرار گرفته است.

مانند نیروهای خارجی که در افغانستان پناهندگی داشتند و علت

پناهندگی آنها ارتباط آنها با گروه تروریستی القاعده بود.

مضافاً اینکه مطابق بند بعدی (B) کسانی که مرتکب جنایت عمدی

که مستوجب مجازات عمومی باشد، شده باشند نیز پناهنده محسوب

نمی شوند. لذا آن دسته از افراد مجاهدین که به جنایت، قتل و ترور

دست زده اند و مرتکب چنین اعمالی شده اند با توجه به اصل قانونی

بودن جرم و مجازات و نظر به اینکه در ایران در این خصوص

کنوانسیون های مختلفی که از جنگ جهانی دوم به بعد در مورد

حقوق اساسی اجتماعی و مدنی نوشته شده و به تصویب و تایید

کشورها رسیده است، بعضاً چندین بار با الحاق پروتکل هایی

تکمیل، تبیین و تفسیر گشته است و علاوه بر این هر کنوانسیون و

ضمائم الحاقی آن نیازمند تفسیر حقوقی و کارشناسی می باشد تا

مصادق آن در مورد یک قضیه خاص به اثبات برسد.

این روزها کنوانسیون ۱۹۴۹ و کنوانسیون پناهندگی بارها در یک

شانتاژ و بدون تفسیر و تبیین کارشناسانه از سوی مجاهدین بکار

گرفته شده است.

آنها سعی داشته با ایجاد یک پارادیم، مفردی حقوقی برای خود ایجاد

نمایند، هم زمان با طرح مسئله ی پناهندگی خود بر آن تاکید دارند تا

با تکیه بر برخی کنوانسیونها همانند یک نیروی غیر نظامی با آنان

رفتار شود؛ از سویی دیگر این امکان را نیز ایجاد می کنند که با

تکیه بر بی طرفی، به نوعی اسارت خود را تصدیق کنند و مسئولیت

مستقیم حفاظت از خود را بر عهده نیروی اشغالگر بگذارند.

آنچه در مورد کنوانسیونهای مورد توافق ملل متحد باید دانست آن

است که در این کنوانسیونها بین "پناهندگی" با "اسیری"، تفاوت قابل

ملاحظه ای لحاظ شده است.

یعنی اینکه کسی نمی تواند هم زمان هم مدعی "اسیربودن" و هم "

پناهنده بودن" شود و این دو مقوله کاملاً با یکدیگر در تعارض است

، زیرا پناهنده مطابق کنوانسیون 1951، بی تابعیت محسوب می شود

، حال آنکه اسیر جنگی نه تنها تابعیت دارد، بلکه لباس فرم کشور

متبوع خود را، همراه با علائم مشخصه ارتش و نیروهای مسلح

کشور به تن دارد.

بر اساس این اختلافها است که کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد

پناهندگی دارای بندها و مفادی است که با متن عهد نامه ژنو در

مورد اسیران جنگی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ متفاوت است.

در بررسی کنوانسیونها و مواد قانونی؛ آنچه مربوط به مجاهدین

است و کمک به تعیین و تکلیف آنان می کند پرهیز از کلی گویی و

بازی با اسامی و مواد کنوانسیونها است و بایستی بگونه ای شفاف

این مواد قانونی را مورد مذاقه قرار داد.

آنچه بیش از سایر موارد مورد تاکید سخنگویان این گروه قرار دارد

، مسئله پناهندگی اعضای این گروه در عراق می باشد .

بدین جهت برای تبیین وضعیت پناهندگی مجاهدین بنا به تعریف و

توصیف قانون، به بندها و مفاد مختلفی از کنوانسیونها که مشمول

وضعیت استقرار مجاهدین در عراق می شود اشاره می گردد:

در بند C ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد پناهندگی نسبت

به اشخاص ذیل کنوانسیون را مجری نمی داند:

قانون مجازات عمومی وجود دارد آنان پناهنده محسوب نشده بلکه مجرم شناخته شده و باید محاکمه شوند.

و حتی درخواست شورای حکومت انتقالی عراق برای محاکمه نمودن اعضای این گروه پیرامون جنایات آنان در خصوص کردهای شمال و شیعیان جنوب عراق به موجب همین بند F ماده یک کنوانسیون می تواند مطرح گردد.

هر چند طبق تعریفی که ابتدا بیان شد، نمی توان در عین پناهنده بودن خود را اسیر نیز تلقی نمود، اما اگر آنها خود را اسیر جنگی نیز معرفی نمایند باز هم طبق ماده ۱۱۸ عهد نامه ژنو در مورد معامله با اسیران جنگی ۱۲ اوت ۱۹۴۹ اسیران جنگی بلافاصله پس از ختم مخاصمات عملی، آزاد و به کشور خود اعاده خواهند شد. لذا همانگونه که ملاحظه می شود قوانین بین المللی نیز راهی برای مغالطه و کلی گویی و فرار و گریز این گروه باقی نگذاشته است.

در حال حاضر بیش از هفت میلیون پناهنده و تبعیدی در نقاط دور افتاده، متروک و خطرناک جهان زندگی می کنند. کمیته پناهندگان آمریکا می گوید پناهندگان، از زندگی عادی محروم هستند و در معرض خشونت و بهره برداری جنسی نیز قرار می گیرند.

به گزارش خبرگزاریها مختلف در جهان، در جنوب شرقی آسیا، بیش از ۴۰۰ هزار از ۶۰۰ هزار پناهنده و تبعیدی این منطقه که عمدتاً از برمه هستند، در چنین شرایطی زندگی می کنند. با توجه به این گزارشها به علت کارنامه وحشتناک برمه در نقض حقوق بشر، همه ساله بیش از ۳۰ هزار نفر به پناهندگان برمه افزوده می شوند.

لازم به ذکر میباشد کشورهایی که در مسائل اقتصادی و سیاسی، بیشترین ضعفها را در دنیای مدرن امروز دارند به صورت کشورهای صادر کننده مهاجر در آمده اند. یک بررسی جدید نشان می دهد دوسوم تمامی پناهندگان جهان بیش از ده سال است که در اردوگاه ها به سر می برند.
